

تاثیرگذار باشد. آنها می‌گویند موالی‌زاده از همان زمان که به عنوان استاندار انتخاب شد، هشدارهایی را نسبت به عملکرد شهردار اهواز داده بود، با این حال او در مدیریت این عرصه با وزنه بومی که همراه خود داشت، توانست فضای متشنج ایجادشده را به سمت تعادل ببرد. او ضمن حضور در بیمارستان و ابراز همدردی با خانواده احمد بالدی، دستوراتی را نیز صادر کرد؛ از جمله بر خورد شدید با مسببان این حادثه، بررسی دقیق ابعاد آن و استفاده از تمامی ظرفیت‌های حقوقی، اداری و نظارتی استان خوزستان.

❖ میانجی‌گری در لحظه

با وجود نقش آرام‌کننده استاندار در روزهای پس از حادثه، باید توجه داشت که مداخله استاندار بیش از آنکه محصول یک نظام کارآمد مدیریت بحران باشد، بر سرمایه اجتماعی فردی او تکیه داشت؛ سرمایه‌ای که احتمالاً قابل تعمیم به سایر موقعیت‌ها نیست. فقدان یک سازوکار نهادی برای گفت‌وگو با جامعه، موجب می‌شود مدیریت سیاسی استان همچنان عمدتاً واکنشی باشد نه پیشگیرانه. واقعه اخیر بار دیگر یادآوری کرد که علاوه بر ضرورت نقش‌آفرینی افراد با پشتوانه قومی و محلی، سیاست‌گذاری مؤثر، نظارت ساختاری و گفت‌وگوی مستمر با جامعه می‌تواند از تبدیل شدن اتفاقات به بحران جلوگیری کند.

❖ بازگشت احزاب به مدار اثرگذاری؟

اما مدیریت این فضا تنها به نقش استاندار بومی محدود نمی‌شود. نقش فعالان سیاسی و احزاب استان نیز در کاهش تنش اثرگذار بوده است. به گفته کنشگران سیاسی و اجتماعی خوزستان، بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی عرب‌زبان و همچنین فعالان مدنی در روزهای پس از حادثه تلاش کردند روایت‌ها را از مسیر احساسی و قویتمنی دور کنند و مانع از ایجاد فضای دوقطبی شوند. آنها با گفت‌وگو با خانواده بالدی و تعامل با طوایف و گروه‌های محلی، بر ضرورت رسیدگی قانونی، حرکت بر مسیر قانون و برپیزش از تحریک احساسی تاکید کردند. این رفتار، به‌ویژه در فضای پرتلهاب خوزستان که سابقه حساسیت‌های قومی دارد، نقش مهمی در جلوگیری از تبدیل یک حادثه تلخ به یک بحران هویتی – سیاسی ایفا کرد. برخی تحلیلگران معتقدند این گروه‌ها در واقع «میانجی اجتماعی» بودند که تلاش کردند شکاف میان بدنه جامعه و نهادهای رسمی عمیق‌تر نشود و مسیر اعتراض به سمت مطالبه‌گری مدنی هدایت شود، نه تخاصم قومی. حادثه ناگوار اخیر نشان داد که احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند در لحظات بحرانی نقش میانجی را در میان جامعه و شهروندان ایفا کنند، اما در واقعیت احزاب با یک چالش بزرگ مواجه هستند و جایگاه آنها در میان جامعه ایران و حتی نهادهای حاکمیتی سال‌هاست که تضعیف شده و از مدار اثرگذاری پایدار خارج مانده است. احزاب را ساختار رسمی سیاست ایران نه‌دارای قدرت سازمان‌یافته‌اند، نه نمایندگی اجتماعی گسترده دارند؛ امری که در گفت‌مان عمومی نیز بازتاب‌یافته و در سال‌های اخیر شعارهایی چون «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» شکاف عمیق میان احزاب و جامعه را آشکار کرده است. با این حال، تدبیر بر برخی گروه‌های سیاسی محلی در ماجرای اخیر نشان داد که اگر کانال ارتباطی با جامعه از دست نرود و احزاب به جای رقابت‌های درون‌قدرتی، نقش میانجی اجتماعی و جامعه‌محور را ایفا کنند، می‌توانند دیواره به مدار اعتبار بازگردند؛ نه به‌عنوان نیروهای تعیین‌کننده، بلکه به‌عنوان نهادهایی که می‌توانند از تشدید بحران جلوگیری کنند و از این راه بخشی از اعتماد از دست‌رفته خود را در میان مردم احیا کنند.

❖ احزاب سیاسی تا چه اندازه در آرام‌سازی فضای استان خوزستان به‌ویژه در اتفاق اخیر تاثیرگذار بودند؟

در این رخداد، فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و چهره‌های مدنی شناخته‌شده‌ی اهوازی نقش قابل‌توجهی در تنظیم فضا و کاهش تنش‌های احتمالی داشتند. مداخله آنها را می‌توان در چارچوب کنشگری میانجی‌گرانه تحلیل کرد. کنشی که هدفش جلوگیری از تبدیل یک تراژدی فردی به بحران اجتماعی بود. این فعالان از یک‌سو با پیگیری حقوقی و مطالبه‌گری برای صیانت از حقوق خانواده مرحوم بالدی مانع شکل‌گیری احساس بی‌پناهی شدند و از سوی دیگر با دعوت مداوم به آرامش، گفت‌وگو و پیگیری موضوع در مسیرهای قانونی به جریان اجتماعی حادثه سم‌نوسو دادند. همراهی نزدیک آنان با فعالان اجتماعی اهواز نیز نوعی هم‌افزایی مدنی ایجاد کرد که در مهار گسترش خشم جمعی و تبدیل آن به مطالبه‌گری قانونی مؤثر بود. در مجموع، نقش اصلاح‌طلبان در این ماجرا امری توان پیونددهنده میان جامعه معترض و ساختار رسمی دانست.

سارا امانی بابادی، فعال سیاسی اصلاح طلب خوزستان در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید عملکرد استاندار خوزستان در مدیریت حادثه خودسوزی احمد بالدی، حاصل درک صحیح از احساسات جریحه‌دار شده افکار عمومی، تلاش برای جلوگیری از گسترده شدن ابعاد حادثه و بهره‌برداری مغرضین بوده است.

❖ عملکرد استاندار خوزستان در مدیریت حادثه خودسوزی احمد بالدی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

عملکرد استاندار خوزستان در مدیریت موضوع خودسوزی جوان دانشجو و کارگر اغذیه‌فروشی آقای احمد بالدی را با در نظر گرفتن چند موضوع باید ارزیابی نمود: ابتدا اینکه افکار عمومی پس از انتشار فیلم و عکس‌های خودسوزی احمد بسیار آشفته و تحریک شده بود. دوم، سابقه خودسوزی یا خودکشی جوانان دیگری با موضوعاتی مثل بیکاری، اخراج، تهدید معیشت، ناامیدی و استیصال در اهواز، شادگان، آبادان، باغملک، مسجدسلیمان و... وجود داشت و حافظه جمعی مردم استان از یادآوری آن در موضوع احمد آزده خاطری بیشتری می‌یافت. سوم آنکه نسبت به عملکرد شهردار اهواز و بر خورد دایره اجرانیات با افسار فرودستی مانند بساط‌کننده‌ها و دک‌داران هشدار داده شده بود و اعتراضاتی وجود داشت. به خاطر دارم در سفر سال گذشته رئیس‌جمهور و برخی معاونان ایشان به خوزستان، آقای قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس‌جمهور با توجه به برنامه گشت شهری که در اهواز داشت در جلسه رسمی، وضعیت شهری اهواز را جنگ‌زده توصیف نمود. استاندار در مقطعی با استفاده از اختیارات خود اقدام به دستور انحلال شورا نمود اما عقبه قدرتمند سیاسی که در مرکز از شورای شهر و شهردار به عنوان یک تیم حمایت می‌کرد، جلوی اجرای دستور استاندار را گرفت. چه‌بسا اجرای دستور استاندار می‌توانست زمان بیشتری به موضوعاتی مثل تعیین تکلیف اغذیه‌فروشی آقای بالدی بدهد و سرنوشت احمد به اینجا ختم نمی‌شد.

استاندار در سفر پایتخت موضوع خودسوزی احمد را شنید. روز بعد با مجاهد پدر احمد تماس گرفت و سپس با رئیس دانشگاه علوم پزشکی موضوع انتقال پزشکی احمد به تهران را مطرح کرد که به دلیل حجم جراحات وارده اجازه چنین کاری داده نشد. استاندار پس از مراجعت از تهران بلافاصله به بیمارستان رفت و از احمد عیادت کرد و جویای احوال خانواده‌اش گردید. همچنین به آنها قول پیگیری موضوع را داد و به امید بهبود احمد در خواست تشکیل جلسه شورای تأمین جهت حل موضوع را مطرح کرد و در نتیجه آن جلسه، رئیس‌ شهرداری منطقه سه اهواز و معاون خدمات شهری و یکی دو نفر دیگر از کارکنان خدمات شهری بازداشت شدند.

آقای موالی‌زاده پس از برکناری شهردار به پزشکی قانونی مراجعه کرد، پیکر احمد را تحویل گرفت و به همراه خانواده احمد و دیگر دادگذاران به روستای محل خاکسپاری رفت. نماز میت اقامه کرد. احمد را خاکسپاری نمودند و با جماعت عزادار به اهواز برگشت و در مراسم سوم و هفتم آن جوان در حالی که خانواده‌اش ایشان را همراهی می‌کردند حضور یافت. رفتار بی‌سابقه یک استاندار در برابر رنجی که به یک خانواده تحمیل شده است و همدردی بهنگام، مسئولانه و صادقانه در تشییع و خاکسپاری احمد نمی‌تواند یک اقدام آنی یا تظاهرگونه باشد بلکه با توجه به شرایطی که برشمردم حاصل درک صحیح از احساسات جریحه‌دارشده‌ی افکار عمومی، تلاش برای جلوگیری از گسترده شدن ابعاد حادثه و بهره‌برداری مغرضین بوده است.

❖ آیا انتخاب استاندار بومی یا آنچه از آن به عنوان استاندار عرب و آشنا به مسائل، بافت قومیت‌ها و فرهنگ سیاسی خوزستان یاد می‌شود در جلوگیری از بروز اعتراضات گسترده اثرگذار بوده است؟ برای پاسخ به این سوال باید برگردیم به فضای انتخابات ۱۴۰۳ که با توجه به حضور اکثر احزاب اصلاح‌طلب و جبهه اصلاحات کشور در آن انتخابات موضوعاتی مانند مشارکت سیاسی و اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها در قدرت سیاسی امکان مطرح شدن پیدا کرد. تیم انتخاباتی آقای پزشکیان به این مطالبه نگاه ویژه و چراع سبز نشان می‌داد. نتیجه آن وعده‌ها در خوزستان توانست همه گروه‌های سیاسی استان و در خط مقدم آن ستاد مرکزی آقای پزشکیان با این توجیه که استان پر حادثه‌ای مانند خوزستان نیاز به یک استاندار بومی و درد‌آشنا دارد و این لزوم پس از سیل سال ۹۸ در بخش‌های غربی استان و مناطق عرب‌نشین بیش از پیش خود را نمایان ساخته بود را بر سر انتخاب یک استاندار بومی و مشخصاً عرب به توافق برساند و من فکر می‌کنم اتفاق مبارکی که افتاد این بود که برای اولین بار یک انتخاب پایین به بالا شکل گرفت و دولت به تصمیم و نظر عقلای سیاسی خوزستان پاسخ مثبت داد لذا انتخاب بی‌سابقه‌ی استاندار عرب برای خوزستان با توجه به مطالبه‌ی ملی مشارکت اقوام در مدیریت کشور موضوع قابل اعتنایی در سطح ملی و رضایت‌بخش در سطح محلی بود اما در سطح استان لزومی بر تاکید ادامه‌دار بر تبار و قوم استاندار وجود ندارد و موضوعیتی هم ندارد چراکه ایشان مشخصاً به عنوان استاندار بومی فعالیت می‌کند.

در یک سال گذشته تجربیاتی پیش از حادثه احمد اتفاق افتاده است؛ از حادثه تصادف هولناک هنرمند جوان مسجد سلیمانی تا خودکشی در اهواز و ایذه و شادگان، اعتراض به قطع قحابه کشاورزی در هویزه و ...، مثال‌هایی هستند که نشان از وجود آشفته‌گی‌های اجتماعی و اقتصادی چندوجهی در خوزستان دارند و حل آن‌ها نیاز به عزم ملی،

پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۹۴۸
www.hammihanonline.ir

❖ سارا امانی بابادی فعال سیاسی اصلاح طلب خوزستان

❖ رفتار استاندار آنی و تظاهر گونه نبود

❖ احزاب سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبان تا چه اندازه در آرام‌سازی فضای استان خوزستان به‌ویژه در اتفاق اخیر تاثیرگذار بوده‌اند؟

سیاست‌گذاری در سطح کلان و نیازمند فضایی که در آن امنیت، توجه و رشد اولویت داده شوند، هستند. به نظر می‌رسد استاندار خوزستان با علم به اینکه چنین شرایطی با توجه به سپهر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور کمتر در دسترس است و با شناخت و مشورت‌های صحیحی که از فرهنگ غالب سیاسی و اجتماعی خوزستان دارد و همچنین دغدغه‌های آشکاری که در ارتقا فرهنگ در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف دارد یا بهتر بگویم باور به اهمیت و تاثیر کار فرهنگی به عنوان بخش نرم‌افزاری توسعه در کنار تقویت زیرساخت‌های سخت‌افزاری در حال ایفای یک نقش تمام و کمال از مسئولی با رویکرد دولت چهاردهم در همدلی با مردمی که با انباشت مطالبات گسترده تاب‌آوری‌شان کم شده و هم خود با توجه به پیوند عاطفی و روحیه همدلانه و دلسوزی که می‌توانند از ویژگی‌های شخصیتی ایشان باشد، از بروز ابعاد گسترده‌تری از خشونت و رادیکالی شدن فضای استان جلوگیری کرده است. در نتیجه می‌توان گفت انتخاب آقای موالی‌زاده بیش از آنکه یک دستاورد سیاسی برای دولت چهاردهم یا فعالین سیاسی و انتخاباتی اصلاح‌طلب باشد یک دستاورد فرهنگی است که می‌تواند نقطه عطفی در بهبود فرهنگ سیاسی استان خوزستان نیز معرفی کرد.

❖ احزاب سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبان تا چه اندازه در آرام‌سازی فضای استان خوزستان به‌ویژه در اتفاق اخیر تاثیرگذار بوده‌اند؟ ببینید وقتی سخنی منتقل نمی‌شود و کاری صورت نمی‌گیرد، آن گروه یا فردی که نه سخنش منتقل، نه مسئله‌اش حل شده است، به‌شکل طبیعی به‌سوی اعمال خشونت می‌رود، تبدیل به معترض می‌شود، سپس به معترض کف‌خیابان تغییر وضعیت می‌دهد. لحظه‌ای که فرد یا جامعه بین ویرانی محتمل و ناشی از خشونتی که خود اعمال می‌کند با ویرانی قطعی، ناشی از ادامه روند موجود تصمیم بگیرد، لحظه‌ای بسیار خطرناک است و فقدان میان‌داران «مؤثر» را یادآوری می‌کند. در موضوع احمد با توجه به ترس از دست دادن منبع معیشت و شنیده نشدن صدای اعتراض توسط شهردارپچی‌ها فاصله این تصمیم بسیار کوتاه بود اما در عین حال تصویری آشنا بود. هر چقدر موضوعات با سرعت بیشتری به سمت رادیکال شدن پیش بروند یعنی آن جامعه فرصت گفت‌وگو و تفکر عقلانی کمتری داشته‌است. از طرفی ما نمی‌توانیم به کسی که سرمایه اندکش را در میان ناامنی اقتصادی حاضر و طی سال‌ها با زحمت زیادی جمع کرده است و حالا آن را در خطر می‌بیند و از این شرایط عاصی شده است، بگوییم واکنش عقلانی داشته باش. من معتقدم در این فضا باید مرجع‌هایی برای اعتماد نسبی وجود داشته باشند. بدیل این مراجع می‌توانند احزاب باشند چراکه ماهیت اصلی احزاب میان‌داری است. همان‌طور که دستگاه قضا جهت کاهش پرونده منازعات قضایی و کاهش اصطکاک در بخش‌های مختلف اجتماع به خلق میان‌دارانی از جنس قضایی ولی متشکل از آحاد معتمد پرداخته است تا موجبات مصالحه بیشتر را فراهم کند و اگر مصالحه با شکست مواجهه شد در نقطه پایان به قانون مراجعه شود، ساختار سیاسی نیز نیازمند میان‌داری احزاب جهت حل منازعات متنوع سیاسی و اجتماعی جهت جلوگیری از برخورد مستقیم هیئت قدرت و مردم است. برای تفهیم هر چه بیشتر ضرورت این موضوع به منازعات ۱۴۰۱ که دامنه آن به خوزستان نیز رسید اشاره می‌کنم. ادامه‌دار شدن اتفاقات ایذه تجربه‌ای ناموفق از حذف احزاب به عنوان میان‌داران است. چنانچه زمینه‌رود احزاب فراهم می‌شد از دوقطبی شدن فضا، بازتاب و انحصار روایت‌های ایذه در تلویزیون‌های فارسی‌زبان جلوگیری و کاهش هزینه برخورد طرفین و امکان مفاهمه و صورت‌بندی هر راهکار غیر خشونت‌آمیز نیز ممکن می‌گردید. من به این نسخه برای استان خوزستان معتقد هستم چراکه ظرفیت سیاسی و اجتماعی پذیرش این الگو به واسطه‌ی تنوع فرهنگی و اجتماعی مهیاست. نمی‌توان با حذف احزاب و صرفاً با استفاده از فضای فرهنگ سیاسی اقوام خوزستان در انتخابات‌های مختلف و در راستای افزایش مشارکت انتخاباتی و انتخاب‌های توده‌وار و قومیتی بهره برد اما در بحران‌های متنوع مانند اعتراضاتی که نمونه آن را در سال‌های ۹۶ و ۹۸ نیز در خوزستان شاهد بودیم، انتظار واکنش رشدیافته و توسعه‌مند داشت. بلکه ساختار برای اینکه فضا با سرعت هر چه تمام به سوی خشونت عریان و رادیکال شدن پیش نرود نیازمند اعتماد به میان‌داران و خلق فضا برای حضور مؤثر آنها در کلیه شئون دارد. موضوع احمد نمونه‌ای از تجربه موفق اعتماد به احزاب و فعالین سیاسی بود که توانست از اصطکاک بیشتر میان نیروهای طرف مخاصمه بکاهد، حضور به‌موقع در کنار خانواده احمد، ابراز همدردی صادقانه تنها با گوش دادن به تظلم‌خواهی خانواده احمد، عیادت، ارائه راهکارهای غیر خشونت‌زا، فراهم آوردن امکان شنیده شدن درخواست‌های خانواده‌ی داغ دیده از سوی کلیه مقام‌های امنیتی، انتظامی و دولتی در استان و کشور و همراهی در خاکسپاری، مراسم و کاهش آلام خانواده متوفی از طریق پایش وضعیت سلامت روانی و جسمی اعضای خانواده‌ای که در روز حادثه شاهد جزئیات خودسوزی احمد بوده‌اند، به واسطه دعوت از تیم پزشکی، ارائه مشورت و گزارش دقیق به استاندار و دیگر مقامات استان جهت کاهش ابعاد حادثه از جمله فعالیت‌های مسئولانه حزب اتحادملت و فعالین سیاسی اصلاح‌طلب خوزستانی بود.



❖ نگاه حزب



عبدالله سلامی

رئیس شعبه خوزستان حزب اتحاد:

❖ استاندار بومی و احزاب بحران را دور کردند

عبدالله سلامی، رئیس شعبه خوزستان حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید استاندار بومی و عرب خوزستان به‌طور طبیعی به ارتباط عاطفی و شناخت روحیات هم‌شهریان خود مجهز بوده و همین مسئله در تأمین حفظ آرامش حادثه خودسوزی آن جوان عرب اهوازی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

❖ برخی پس از حادثه خودسوزی احمد بالدی، انتظار وقوع اعتراضات را داشتند، اما اینگونه اعلام شد که استاندار و احزاب استان مانع وقوع چنین اتفاقی شدند. چه عملکردی مانع حوادث احتمالی بعدی شد؟

در خصوص حادثه خودسوزی آن جوان عرب اهوازی که ناشی از برخورد اجرائیات شهرداری به وقوع پیوست و افکار عمومی محلی، ملی و تا حدودی خارجی را تحت تاثیر قرار داده بود، باید اذعان نمود، پیام به‌موقع ریاست محترم جمهوری و متعاقب آن عکس‌العمل و اعتنای در خور توجه وزیر محترم کشور با آن حادثه، که در نوع خود بی‌سابقه بوده‌است، توانست به حفظ آرامش روان عمومی جامعه‌ای که ملتهب و به‌شدت تحت تاثیر آن حادثه واقع شده بود و به سمت ناآرامی پیش می‌رفت، کمک مؤثری کند. بدون تردید نقش همراهی و همدردی استاندار بومی و عرب خوزستان با خانواده و طایفه آن جوان، توانست از التهاب آنچه ممکن بود اسباب ناآرامی را رقم بزند یا فراهم سازد، جلوگیری بعمل آورد. از سوی دیگر اهمیت نقش و همدردی عده‌ی کثیری از اصلاح‌طلبان بویژه حزب اتحاد شعبه خوزستان با پدر و خانواده آن جوان از دست‌رفته، به‌طور جنبی به حفظ آرامش کمک مضاعفی بخشیده بود. البته تمکین مطالبات پدر آن جوان که به استعفا‌ی شهردار انجامید، بدون شک، نقطه عطف تشبیه و استحکام حفظ آرامش روان جامعه بود.

❖ حضور استاندار بومی که خود اهل طوایف عرب نیز هست، در جلوگیری از گسترش تنش در اعتراضاتی از این دست چقدر اثرگذار بوده‌است؟ بدون تردید توجه به نوع روابط عاطفی و شناخت روحیات جامعه، می‌تواند در مقابل بحران‌های اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی، به‌موقع و به‌درستی عمل کندو کارساز باشد. به گمانم از آنجایی که استاندار خوزستان عرب و بومی است، به‌طور طبیعی و بالقوه به ارتباط عاطفی با بر‌خورداری از شناخت روحیات هم‌شهریان خودمجهز بوده‌است و در تأمین حفظ آرامش حادثه خودسوزی آن جوان عرب اهوازی، بدون تردید نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده بود. در پی گفت‌وگوهای عاطفی یک استاندارد عرب و بومی آن هم به‌طور مستقیم و مباشر با آسیب‌دیدگان و ابراز همدردی و تأسف با آنها، در خوزستان بویژه در اهواز شاهد حفظ آرامش خانواده و طایفه بالدی‌های اهواز که از جمعیت قابل توجهی بر خوردار هستند، بودیم.

❖ آیا می‌توان با ایفای چنین نقشی از سوی یک استاندار بومی و احزاب سیاسی به اثرگذاری کارکرد احزاب در اتفاقات سیاسی و اجتماعی در خوزستان امیدوار بود؟

آنچه می‌تواند به بحران‌های حادثه‌ساز جامعه تحت فشار دامن بزند و به آن شدت ببخشد، بی‌تفاوتی و سکوت در مقابل حادثه‌دیدگان است. البته بر عکس آن نیز صادق است؛ در حادثه خودسوزی جوان عرب اهوازی همه در یک اقدام کم‌سابقه و خودجوش به ارتباط عاطفی دولت، نهادهای مدنی از جمله ورود اصلاح‌طلبان برای تسلی آسیب‌دیدگان، به موقع دامن زده شد و به حفظ آرامش و جبران خسارات ناشی از حوادث پیش آمده، توصیه گردید. ❖ در سویی دیگر ماجرا، شنیده شدن صدای اعتراض نیز برای مردم مهم است. آیا احزاب توانستند صدای مردم را به گوش مسئولان برسانند؟

شاید لازم باشد به این موضوع اشاره کرد؛ بخش عمده‌ای از افکار عمومی محلی بر این باورند، ضبط و پخش فیلم خودسوزی احمد که از زاویه بالا و از فاصله نسبتاً زیاد توسط یک ناشناس ضبط و در شبکه‌های اجتماعی پخش و اطلاع‌رسانی شده بود، در انعکاس و انتقال مستند صحنه آنچه بر سر احمد و مادرش گذشت، بسیار اثرگذار بوده است. به گمانم باید اجازه داده شود تا در بحران‌های اجتماعی ناشی از فشار، اقشار جامعه آزادانه به درد هم برسند و به هم کمک کنند. صدور بیانیه حزب اتحاد با هدف همدردی با آسیب‌دیدگان حادثه خودسوزی جوان اهوازی بسیار مؤثر بود.